

سُورَةُ الطَّلَاقِ ٦٥

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام یگانه خدای جهان که بخشایش و مهر او بی کران

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ ۖ وَاتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ ۖ لَا تَخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبَيِّنَةٍ ۚ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ ۚ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ ۚ لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا



ای نبی! هست قاعده بهر طلاق	گر جدایی بین زوج شد اتفاق
بر طلاق نیز وقت عدّه لازمست	یعنی آن زن بر طهارت ملزمست
پس نگه دارید حساب، ایّام را	تا شود کامل زمان مر عدّه را
تا سه بار تطهیر بعد از قاعده	برشمارید کاین بود پرفایده
پس بپرهیزید از ربّ جهان	از سوی خانه مرانید آن زنان
جز مگر که آشکارا از خطا	کاری از فحشا نموده یا زنا
که حدود حق بود اینجا عیان	گر تجاوز کرد کسی از حدّ آن
یعنی که نقض حدود آرد ز کین	بر خودش کرده ستم او بالیقین
تو چه دانی، ای بسا امری خدا	از ره خیرات ببخشد بر شما

فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَأَشْهِدُوا ذَوَى عَدْلٍ مِّنكُمْ وَأَقِيمُوا الشَّهَادَةَ لِلَّهِ ۚ ذَٰلِكُمْ يُوعَظُ بِهِ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ۚ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا



با نکویی زو نگهداری کنید تا سرآید عِدّه اندر سررسید
 پس جدا گردید با قیدِ طلاق لیک رها سازید به حُسنِ اتفاق
 لازم است دو فردِ عادل بر گواه تا شوند شاهد همی نزدِ اِلَه
 از چنین پند بهره‌مندند مؤمنین که قبول دارند حساب و یومِ دین
 مُتَّقی شد هر کسی بر کردگار می‌گشاید ره بر او پروردگار

وَيَرْزُقُهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ ۚ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ ۚ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ ۚ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا



می‌رساند بهر او حقِ رزقِ ناب از محلی که نیارد در حساب
 کرد توکل هر کسی بر کردگار کافی باشد بهر او در روزگار
 هست نافذ، امرِ ذاتِ ذوالجلال هر چه او خواهد، شود اندر کمال
 بهر هر چیز کرد مقرر آشکار قدر و هم اندازه‌ای اندر شمار

وَ اللَّائِي يَخْسَنَ مِنَ الْمَحِيضِ مِنْ نِسَائِكُمْ ۚ إِنْ ارْتَبْتُمْ فَعَدَّتْهُنَّ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ وَ اللَّائِي لَمْ يَحِضْنَ ۚ وَأُولَاتُ الْأَحْمَالِ أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ ۚ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا



یائسه گر که بگشته یک زنی که نباشد محتمل آبستنی
 گر مُصرِّد که طلاق او را دهید وز برای حیض باشد ناامید
 بهر او هم عِدّه می‌باشد سه ماه تا بگردد رفع هر نوع اشتباه
 همچنین آن دسته‌ی دیگر زنان که نگشته قاعده تا آن زمان
 لیک زنی که بار دارد با یقین وقت عِدّه بهر او باشد چنین
 صبر باید آورند هر دو به پیش تا به دنیا آورد اولادِ خویش
 هر که ترسد از خداوندِ غفور حق کند آسان بر او کلّ امور

ذَٰلِكَ أَمْرُ اللَّهِ أَنْزَلَهُ إِلَيْكُمْ ۚ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَكْفِرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُعْظِمْ لَهُ أَجْرًا

این چنین احکام از امر خداست بر شما نازل بشد بی کم و کاست
هر که گردد مُتقی یابد نجات حق بپوشاند از او نیز سیئات
هم بیفزاید بر او ربّ کریم اجر و پاداشش که باشد بس عظیم

أَسْكُنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وَجْدِكُمْ وَلَا تُضَارُوهُنَّ لِتُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ وَإِنْ كُنَّ أُولَاتِ
حَمْلٍ فَأَنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّىٰ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ ۖ وَأَتَمِرُوا
بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ ۖ وَإِنْ تَعَاَسَرْتُمْ فِستَرْضِعْ لَهُ أُخْرَىٰ

در خلالِ عِدّه، مأواشان دهید بر زنان، آنجا که خود نیز ساکنید
هیچ نیایید در ره آزارشان تا شود تنگ زندگی از بهرشان
که به اجبار و بر حسبِ ضرور ترک کند او خانه اش از روی زور
گر که بودند این زنان نیز حامله لازم است انفاقی در این مرحله
هم نفقه بهر او آرید به پیش تا به دنیا آورد فرزندِ خویش
گر دهد شیر همچنین فرزندان یک قراردادی بسازید بینتان
تا دهید اجری که باشد اعتدال نه به زور و جنگ و از روی جدال
گر توافق لیک نیاید بینتان یعنی راضی زن نگردد آن زمان
می توانید بهر شیرِ کودکان استعانت جوید از دیگر زنان

لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِّنْ سَعَتِهِ ۖ وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ ۚ لَا يَكْلَفُ اللَّهُ نَفْسًا
إِلَّا مَا آتَاهَا ۚ سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا

نفقه لازم بود اندر کمال هر که دارد وسعتی از رزق و مال
آن که افتاده به ضیق و تنگدست کافی است انفاق دهد از آنچه هست
حق نیارد هیچ تکلیف بر کسان جز به حدّ آنچه داده بهرشان

زود باشد که به لطفِ ایزدی بعدِ هر سختی بیاید راحتی
وَكَايِنَ مَنْ قَرِيَهُ عَتَتْ عَنْ أَمْرِ رَبِّهَا وَرُسُلِهِ فَحَاسِبْنَاهَا حِسَابًا شَدِيدًا وَعَذَّبْنَاهَا عَذَابًا نُّكَرًا



بس زِ اهلِ شهرها در ماسبق سرکشی کردند از فرمانِ حق
سوی ربّشان و هم سوی رسول گشته نافرمان و بنمودند عدول
ما پرسیدیم شدید وقتِ حساب زانچه کردند بهر خویشتن اکتساب
پس معذب کردیم ایشان بر عذاب چون که بودند لایقِ این سان عقاب
فَذَاقَتْ وَبَالَ أَمْرِهَا وَكَانَ عَاقِبَةُ أَمْرِهَا خُسْرًا



سخت چشیدند کیفری از ذوالجلال زان همه اعمال و هم وزر و وبال
بهر ایشان آخر و فرجام کار بود زیانکاری و خُسران، بی شمار
أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِيَ الْأَلْبَابِ الَّذِينَ آمَنُوا قَدْ أَنزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ
ذِكْرًا



حق نمود آماده بهرِ آن خسان از عذاب‌هایی آلیم و هم گران
صاحبان عقل! و ای اهلِ خرد! مُتَّقِی گردید به خلاقِ احد
اهل ایمان! که به حق آرید فکر سویتان آیات بیامد بهر ذکر

رَسُولًا يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِ اللَّهِ مَبِينَاتٍ لِّيُخْرِجَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنَ الظُّلُمَاتِ
إِلَى النُّورِ وَمَنْ يُؤْمِن بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ
فِيهَا أَبَدًا قَدْ أَحْسَنَ اللَّهُ لَهُ رِزْقًا



هم فرستاد او رسولی رهنما
آیتی بس آشکار اندر ظهور
بهر آنان که یقین آورده‌اند
آن کسان که گشته‌اند از مؤمنان
می‌برد حق جملگی بر جنتان
اندر آنجا جای گیرند تا ابد
که بخواند آیه‌ها بهر شما
تا برد از سوی ظلمت رو به نور
کارهای نیک و خیر بنموده‌اند
بر یگانه رب و خلاق جهان
که به زیر پایشان جوی‌ها روان
بهترین رزق‌ها دهد ذات احد

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا

﴿۱۲﴾

آن خدایی که ز حکمت آفرید
مثل آنها نیز طبق‌هایی چنین
بین ارض و آسمان آورد فرود
تا بدانید قادرست حق بالیقین
علم یزدانی محیط است در شهود
آفریده کردگار اندر زمین
امر خود را ذات خلاق ودود
بر همه اشیاء عالم اجمعین
او فراگیر است به هر بود و نبود